

## تبیین نقش و جایگاه شرکت های دانش بنیان در توسعه اقتصاد مقاومتی

نویسنده: مجتبی جباری پور هریس - دانشجوی دکترای مدیریت و پژوهشگر

یکی از رویکردهای مناسب جهت تحقق اقتصاد مقاومتی رویکرد استراتژیک است که در آن، نقاط ضعف و تهدیدزای اقتصاد تحلیل می شود و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی استخراج می گردد. توسعه ی شرکت های دانش بنیان یکی از راهبردهای مهم و اثرگذار جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است

اصطلاح اقتصاد مقاومتی در سال های اخیر توسط مقام معظم رهبری مطرح و سپس به مفهوم رایج مباحث اقتصاد سیاسی تبدیل شد. صاحب نظرانی با رویکردهای گوناگون در این حوزه اظهار نظر کرده اند؛ برخی با ادبیات علم اقتصاد، برخی با ادبیات اقتصاد اسلامی و برخی نیز نقش مؤلفه های حوزه های فرهنگ و سیاست را در شکل گیری اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار داده اند.

با توجه به شرایط طرح اقتصاد مقاومتی، به نظر می رسد که یکی از رویکردهای مناسب جهت تحقق اقتصاد مقاومتی رویکرد استراتژیک است. در واقع برای اینکه راهکارهای مناسبی جهت توسعه ی اقتصاد مقاومتی داده شود، ضروری است که پس از تعریف مفهومی اقتصاد مقاومتی، نقاط ضعف و تهدیدزای آن مورد تحلیل واقع شود و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی استخراج گردد و در مرحله ی بعد، راهبرد خاصی جهت تبدیل این نقاط ضعف به قوت و تبدیل تهدیدها به فرصت تبیین شود.

مقاله ی حاضر، پس از تعریف مفهوم اقتصاد مقاومتی و استخراج مؤلفه های آن بر اساس نقاط آسیب زای اقتصاد، سعی در تبیین راهبرد توسعه ی شرکت های دانش بنیان جهت تحقق اقتصاد مقاومتی دارد. به این منظور، در مرحله ی بعد، به تبیین اقتصاد دانش بنیان به عنوان بستر توسعه ی شرکت های دانش بنیان می پردازد. در ادامه، تعریف، ویژگی ها و کارکردهای شرکت های دانش بنیان ارائه شده است و در نهایت، چگونگی تأثیر گذاری این شرکت ها بر مؤلفه های اقتصاد مقاومتی بررسی خواهد شد.

تبیین اقتصاد مقاومتی

از ابتدای مطرح شدن اصطلاح اقتصاد مقاومتی، رهبر معظم انقلاب در سخنرانی های گوناگون به تبیین این مفهوم پرداخته اند. ایشان معنای اقتصاد مقاومتی را چنین بیان نموده اند: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیری اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترندهای دشمنان، که همیشگی و به شکل های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند.»

همچنین ایشان در جای دیگر این مفهوم را چنین معنا می‌کنند: «اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست، این جور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد. نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند.»

بنابراین باید توجه داشت که اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصاد تدافعی یا ریاضتی نیست، بلکه در حقیقت نوعی اقتصاد و برنامه‌ریزی تعاملی مبتنی بر راهبرد استفاده از تهدید به عنوان یک فرصت است. حال باید دید زمینه‌ها و نقاط آسیب‌پذیر زمینه‌ساز تهدید چیست و چگونه و با چه راهبردی می‌توان این تهدیدها را به فرصت تبدیل نمود و به عنوان فرصتی برای اصلاح یا حتی جراحی اقتصادی استفاده کرد و در عین رفع تهدیدها، به رشد و شکوفایی اقتصادی نیز دست یافت. بنابراین به فرآیند شناسایی نقاط آسیب و تهدیدهای خارجی و داخلی و تبدیل این نقاط ضعف و تهدیدها به فرصت‌های رشد و توسعه، اقتصاد مقاومتی گفته می‌شود. حال سؤال اینجاست که اقتصاد کشور چه آسیب‌ها و نقاط ضعفی دارد که باعث بروز تهدیدهای دشمن شده است و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی برای تبدیل کردن این نقاط به فرصت چیست؟ مبنای پاسخ به این پرسش در مقاله‌ی حاضر، دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب درباره‌ی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است که به اجمال به این مؤلفه‌ها اشاره می‌شود:

۱- دولتی بودن اقتصاد یکی از اساسی‌ترین نقاط ضعف اقتصاد ایران است که زمینه‌ی تهدیدهای خارجی را نیز فراهم می‌آورد. در واقع ساختار اصلی اقتصاد و بنگاه‌های اقتصادی کشور را شرکت‌های بزرگ دولتی تشکیل می‌دهند. این شرکت‌ها، به علت پایین بودن بهره‌وری و نداشتن پویایی و قدرت تحول، توان انطباق کافی با تغییرات و تهدیدهای محیطی را ندارند. همچنین در چنین شرکت‌هایی، به علت ویژگی‌های خاص ساختاری، زمینه‌ی نوآوری و بهینه کردن محصولات پایین و زمینه‌ی شیوع فساد به عنوان تهدید داخلی اقتصاد بسیار بالاست. بنابراین تحریم مواد اولیه یا محصولات این شرکت‌ها، به عنوان تهدید خارجی، اسباب چالش در اقتصاد را فراهم می‌آورد. از این رو، یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مردمی کردن اقتصاد به شمار می‌رود که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نیز قرار گرفته است.

۲- وابستگی اقتصاد ایران و بودجه‌ی دولت به فروش مواد خام و با ارزش‌افزوده‌ی پایین که مصداق بارز این موضوع وابستگی اقتصاد به فروش نفت خام است. ریشه‌ی اصلی این معضل در ضعف دانش و تکنولوژی در این صنعت و شرکت‌های فعال در این حوزه است که متأسفانه این مسئله باعث شده است نقطه‌ی قوتی به نام وجود منابع زیرزمینی، به اهرمی برای تحریم و فشار بر اقتصاد ایران تبدیل شود. بنابراین یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی کاهش و قطع وابستگی به نفت است.

۳- یکی دیگر از نقاط تهدیدزای اقتصاد ایران مدیریت مصرف است. این موضوع، از یک سو، مربوط به تعادل و عدم اسراف در مصرف و از سوی دیگر، مرتبط با اهمیت مصرف تولیدات داخلی از سوی مصرف‌کننده‌ی داخلی است. بنابراین یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی موضوع مدیریت مصرف است.

۴- بهره‌وری پایین عوامل تولید و استفاده‌ی نامناسب و ناکارای از منابع، امکانات و زمان از دیگر نقاط ضعف اقتصاد ایران است. بنابراین بالا بردن بهره‌وری نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود.

۵- یکی از نقاط ضعف اقتصاد کشور پایین بودن میزان خلاقیت و نوآوری و ضعف فناوری بنگاه‌های اقتصادی است. در حقیقت این مسئله اقتصاد و صنعت کشور را مصرف‌کننده‌ی فناوری‌های خارجی نموده است و این خود زمینه‌ی آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را در برابر تحریم بیگانگان فراهم می‌نماید و سایر مؤلفه‌های اقتصاد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب نیز یکی از مهم‌ترین مظاهر و مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را شرکت‌های دانش‌بنیان دانسته‌اند. همچنین ایشان در جای دیگری از اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان یکی از سرفصل‌های اقتصاد مقاومتی نام می‌برند.

۶- یکی دیگر از چالش‌های اقتصاد مقاومتی ضعف تولید ملی و عدم توان خودکفایی در تولید کالاهای استراتژیک مورد نیاز کشور است. بنابراین حمایت از تولید ملی نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود.

### **تبیین اقتصاد دانش‌بنیان**

با روشن شدن مفهوم اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن، حال برای تبیین نقش شرکت‌های دانش‌بنیان جهت تحقق این اهداف، ابتدا باید مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان مورد بررسی قرار گیرد و با روشن شدن ویژگی‌های اقتصاد دانش‌بنیان، جایگاه و کارکرد شرکت‌های دانش‌بنیان، به عنوان بنگاه‌های سیستم اقتصادی دانش‌بنیان جهت تحقق اقتصاد مقاومتی، روشن شود. بنابراین در این بخش به تشریح پیش‌فرض‌ها و ویژگی‌های اقتصاد دانش‌بنیان و تمایز آن با اقتصاد کلاسیک می‌پردازیم و از این رهگذر، به تمایز شرکت‌های دانش‌بنیان، به عنوان بنگاه اقتصاد دانش‌بنیان و شرکت‌های سنتی، به عنوان بنگاه اقتصاد کلاسیک، اشاره می‌نماییم و در نهایت، چگونگی تأثیرگذاری این شرکت‌ها بر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

دانش به عنوان یکی از نیروهای بسیار مؤثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آید و یک کالای عمومی محسوب می‌شود، زیرا می‌توان دانش را بدون کاهش و استهلاک، با دیگران به اشتراک گذاشت. در عین حال، این یک مشخصه‌ی منحصر به فرد برای این کالای عمومی محسوب می‌گردد که برخلاف سایر کالاهای فیزیکی (مثل سرمایه، دارایی‌های مادی و منابع طبیعی)، استفاده از آن، از کمیّتش نمی‌کاهد و می‌توان از آن بارها استفاده کرد.

یک تعریف عام از دانش عبارت است از: ذخیره‌ی انباشته‌شده‌ای از اطلاعات و مهارت‌ها که از مصرف اطلاعات توسط گیرنده‌ی اطلاعات حاصل می‌شود. در حقیقت دانش، به عنوان یک منبع دائمی، همواره در اختیار بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌گیرد و با مشارکت مکرر در فرآیندهای گوناگون تولیدی و خدماتی، سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش افزوده می‌شود. در نتیجه، این امر می‌تواند سبب گسترش رفاه اجتماعی و عامل کاهش فقر و بی‌عدالتی و موجب ارتقای روند توسعه‌ی پایدار گردد.

پس از چالش‌های فکری قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، که رقابت اقتصادی میان کشورهای صنعتی جهان جدی‌تر شد و جنبه‌های کاربردی اقتصاد بیشتر مورد توجه قرار گرفت، جوزف شومپیتر به نقش دانش در ابداع و نوآوری و پویایی اقتصاد توجه کرد و آن را اساس کارآفرینی و تحول اقتصاد معرفی نمود.

در حالی که مدل‌های اولیه‌ی رشد اقتصادی بیشتر بر عوامل فیزیکی تولید (مانند سرمایه‌ی فیزیکی، نیروی کار و زمین) به عنوان منابع تولید تأکید کرده‌اند، برخی از مدل‌های رشد نئوکلاسیکی، دانش را عاملی برون‌زا در تعیین رشد اقتصادی می‌دانند؛ اما در مدل‌های جدید رشد، عامل دیگری نیز با عنوان بهره‌وری عوامل تولید به عنوان یکی از ارکان رشد معرفی می‌شود و دانش یکی از مؤثرترین عوامل در بهره‌وری و رشد اقتصادی مطرح می‌گردد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اقتصاد دانش‌بنیان تأثیر بسزایی در افزایش تولید سرانه‌ی بالاتر، کاهش نابرابری در توزیع درآمد و در عین حال، اصلاح کیفیت محیط زیست به عنوان شاخصه‌های اصلی توسعه‌ی پایدار دارد.

در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش‌بنیان، که توسط OECD مورد تأکید خاص در استراتژی توسعه‌ی ملل قرار گرفته است، گویای تأکید بر نقش دانش و فناوری در جریان توسعه‌ی اقتصادی است. از این رو، می‌توان گفت در اقتصاد دانش‌بنیان، به دانش از نظر کیفی و کمی بااهمیت‌تر از گذشته نگریسته می‌شود. طبق تعریف این سازمان، اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که مستقیماً بر مبنای تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که امروزه دیگر حجم سرمایه و اندازه‌ی بازار در توسعه‌ی اقتصادی ملل نقش اساسی ندارد، بلکه این نقش را دانش و فناوری ایفا می‌کند.

نکته‌ای که باید همواره در نظر داشت این است که برای دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان، فقط تولید و توزیع اطلاعات و پرداختن به آموزش و پژوهش کافی نیست، بلکه نکته‌ی مهم به‌کارگیری آن‌ها در استفاده از منابع اقتصادی به صورت مستمر و پایدار است. به عبارت دیگر، کاربردی کردن دانش و استفاده‌ی مؤثرتر از آن در گسترش ظرفیت‌ها و ارتقای درجه‌ی بهره‌برداری از منابع است که تحقق یک اقتصاد دانش‌بنیان را ممکن می‌سازد که نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در این زمینه قابل تعریف است.

در این قسمت مناسب است که برخی از ویژگی‌های اقتصاد دانش‌بنیان مورد بررسی قرار گیرد. در یک تحلیل نظری، به طور کلی می‌توان ویژگی‌های زیر را برای اقتصاد دانش‌بنیان بیان کرد:

۱. اقتصاد دانش‌بنیان اقتصاد کمیابی منابع نیست، بلکه اقتصاد فراوانی منابع است؛ زیرا بر خلاف بسیاری از منابع که هنگام مصرف مستهلک می‌شوند، اطلاعات و دانش، که اساس اقتصاد دانش‌بنیان است، می‌تواند بارها مصرف شود و با مصرف بیشتر در واقع رشد کند.
۲. در اقتصاد دانش‌بنیان، دانش به کالا تبدیل می‌شود و به فروش می‌رسد.
۳. اقتصاد دانش‌بنیان به نوعی یک اقتصاد بدون وزن است.
۴. در اقتصاد دانش‌بنیان، دانش پایگی اقتصاد وابسته به مجموعه‌ای از نظام‌ها و فرآیندهای دانشی جامعه است.

۵. محل فعالیت در اقتصاد دانش‌بنیان اهمیت چندانی ندارد، زیرا با استفاده از فناوری‌ها و روش‌های مناسب، بازارها و سازمان‌های مجازی به وجود می‌آید و در خدمت فعالیت قرار می‌گیرد. آنچه مهم است سرعت عمل در فعالیت‌ها و دسترسی به کل جهان است.

۶. در اقتصاد دانش‌بنیان، سهم قابل توجهی از تولید ملی سرانه در رشته‌ی فعالیت‌های دانش‌پایه و دانش‌ساز، مانند صنایع دارای فناوری برتر، خدمات مالی و تجاری پیشرفته‌تر و کارآمدتر و به ویژه از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی تخصصی تولید می‌شود.

در حقیقت اقتصاد دانش‌بنیان با بهره‌وری بیشتر عوامل تولید و رفتار بهینه‌ی اقتصادی از نظر تخصیص منابع کار می‌کند و در نتیجه، دارای نرخ رشد بالاتری خواهد بود.